

## سوره «صافات» (۳۷)

این سوره که در سومین سال بعثت در مکه نازل شده است با سوره «یس» (سوره قبلی) در موضوعات: نقش «مرسلین»<sup>۱</sup> در انذار مردم غافل، تکذیب مردم، انکار توحید و بعثت<sup>۲</sup> و بالاخره احضار<sup>۳</sup> مجرمین و عذاب آنها<sup>۴</sup> شباهت نزدیکی دارد. همچنین با سوره «ص» (سوره بعدی) در موضوعات: یادآوری صبر و مقاومت انبیاء<sup>۵</sup>، تکذیب مستمر اقوام و گرفتار شدن آنها به عذاب الهی<sup>۶</sup> هماهنگی آشکاری دارد و بالاخره با سوره زمر (دو سوره بعد) در

---

۱. کلمه مرسلین ۶ بار در سوره صافات به کار رفته که از بقیه سوره های قرآن بیشتر است (مساوی سوره شعراء) و مجموع کلمات مرسلین و مرسلون هم در سوره «یس» ۶ بار به کار رفته است که در هر دو سوره رقم نسبی بسیار بالائی است.

۲. آیات ۱۶ و ۱۷ و ۵۳ در سوره صافات و آیات ۷۸ و ۷۹ در سوره یس.

۳. آیات ۵۷ و ۱۲۷ و ۱۵۸ در سوره صافات و آیات ۳۲-۵۳ و ۷۵ در سوره یس (هر دو سوره بیش از سایر سوره های قرآن).

۴. آیات ۳۸، ۳۴، ۹ و... در سوره صافات و آیات ۱۰ و ۷ و ۲۹ در سوره یس.

۵. در هر دو سوره نام ۹ نفر از رسولان آمده است: صافات (نوح، ابراهیم، اسمعیل، اسحق، موسی، هارون، الیاس، لوط و یونس). ص (داود، سلیمان، ایوب، ابراهیم، اسحق، یعقوب، اسمعیل، الیسع، ذالکفل).

۶. آیات ۸ و ۱۲ و ۱۴ و ۲۶ و ۵۹ و ۸۵ و... در سوره ص (آیات سوره صافات در پاورقی ۴ ذکر گردید).

موضوعات: عبادت خالصانه خدا<sup>۱</sup>، احسان<sup>۲</sup> و انحرافات شرک آمیز کافران<sup>۳</sup> در اتخاذ الهه و سرانجام گرفتار شدن به عذاب الهی<sup>۴</sup> پیوندی ظریف دارد، به طوری که این ۴ سوره را می توان مجموعه ای مرتبط و هماهنگ تلقی نمود.

متن این سوره از سه بخش متفاوت تشکیل شده است؛ مقدمه ۱۰ آیه ای آن اشاراتی به آیات تکوینی در طبیعت دارد، که نمونه ای از ربوبیت مطلق خدا را در هستی نشان می دهد. بقیه سوره به مسئله رسالت پیامبران و تکذیب مردم و سرنوشت نیک و بد آنها در قیامت تعلق دارد که قسمت عمده آن (در ابتدا و انتهای سوره) به رسالت حضرت خاتم النبیین (ص) و جریان تکذیب قوم آن حضرت مربوط می شود.<sup>۵</sup> در وسط این قسمت از جریان رسالت برخی از انبیاء<sup>۶</sup> و تکذیب اقوام آنها نام می برد که این قسمت سومین بخش سوره را تشکیل می دهد.<sup>۷</sup>

در بخش تاریخی مربوط به انبیاء، ترجیح بند ۴ آیه ای «وترکنا علیه فی الاخرین»<sup>۸</sup> سلام علی...<sup>۹</sup> انا کذلک نجزی المحسنین.<sup>۱۰</sup> انه من عبادنا المؤمنین<sup>۱۱</sup> « ۴ بار در مورد نوح،

۱. در سوره صافات ۵ بار کلمه «مخلصین» تکرار شده است که بالاترین رقم را در قرآن داراست و در سوره زمر مشتقات کلمه «خلص» ۴ بار تکرار شده که در مجموع پس از سوره صافات در ردیف دوم قرار دارد و سوره «ص» در ردیف سوم (۳ بار).

۲. در سوره صافات ۵ بار کلمه «محسنین» تکرار شده است که از بقیه سوره ها بیشتر است و در سوره زمر ۲ بار (در مجموع مشتقات ۷ بار).

۳. آیات ۲۲، ۲۵، ۳۶، ۸۵، تا ۸۷، ۱۲۵ تا ۱۲۷، ۱۴۹ تا ۱۶۲ و ۱۸۰ در صافات و آیات ۱ تا ۸، ۱۹ تا ۲۹، ۳۷، ۴۳، تا ۴۶، ۶۴ تا ۶۷ و... در سوره زمر.

۴. آیات ۱۳، ۱۹، ۲۴، ۲۵، ۲۶، ۴۰، ۴۷، ۵۴، ۵۵، ۵۸ و ۷۱ در سوره زمر (۱۲ بار ردیف چهارم پس از سوره های بقره ۱۸، آل عمران ۱۵ و هود ۱۳) سوره صافات قبلاً ذکر گردید.

۵. ۹۴ آیه از ۱۸۴ آیه کل سوره که بیش از ۵۰٪ می باشد (آیات ۱۱ تا ۷۰ و ۱۴۹ تا ۱۸۲)

۶. نام ۹ تن از پیامبران در این سوره آمده است که جریان رسالت ۷ تن آنان را به طور نسبتاً تفصیلی بیان می کند. (نوح، ابراهیم، موسی، هارون، الیاس، لوط و یونس).

۷. آیات ۷۱ تا ۱۴۸ (۷۷ آیه)

۸. به استثنای آیه ۱۱۹ که در مورد موسی و هارون به جای «علیه» «علیها» به کار رفته است.

۹. در مورد حضرت نوح به دنبال «سلام علی نوح» کلمه «فی العالمین» هم اضافه شده که پایه گذاری او را در این جریان و سهیم بودنش را در حرکت های بعدی نشان می دهد. در مورد الیاس هم سلام به طور جمع (سلام علی الیاسین) به کار رفته که دنباله رسالت را در خاندان او نشان می دهد.

۱۰. فقط در مورد حضرت ابراهیم کلمه «اناً» در ابتدای این آیه به دلیل تکرار آن در آیه ۱۰۵ حذف شده است.

۱۱. در آیه ۱۲۲ به جای انه، انهما به کار رفته است (در مورد موسی و هارون). در ضمن ارتباط این آیه (انه من عبادنا المؤمنین) که ۴ بار در مورد انبیاء تکرار شده با آیه ۲۹ (لم تکنوا مؤمنین) که در مورد مشرکین است قابل مطالعه می باشد.

ابراهیم، موسی و هارون و الیاس (علیهم السلام) تکرار شده است که این تکرار می تواند اصلی ترین محورهای سوره را نشان دهد.

در اولین آیه ترجیع بند «و ترکنا علیه فی الاخرین» استمرار جریان رسالت و باقی ماندن آثار تلاش رسولان را، که دلالت بر پیروزی حق بر باطل و رشد و کمال تدریجی نوع انسان در جهت پذیرش پیام های رسولان می کند، نشان می دهد.

در دومین ترجیع بند «سلام علی...» که با سلام و درود بر پیامبران آغاز می گردد، از یک طرف به سلامت ماندن آنها را از مکر و کید دشمنان و نجاتشان را از عذاب الهی، از طرف دیگر نائل شدنشان را به فوز و رستگاری و بهشت جاوید، که سلامت از عذاب اخروی می باشد، نشان می دهد.

در سومین آیه ترجیع بند «انا کذلک نجری المحسنین» سلامت ماندن آنها را از عذاب دنیا و آخرت جزای «محسن» بودن آنها می شمارد که معنای احسان هم نیکوکاری به بندگان خدا است و هم انجام وظائف الهی و ابلاغ رسالت های او به نیکوترین وجه.<sup>۱</sup> در ضمن قابل توجه است که این کلمه در مورد حضرت ابراهیم به طور ویژه ۲ بار به کار رفته است. (در آیات ۱۰۵ و ۱۱۰)

در چهارمین ترجیع بند «انه من عبادنا المؤمنین» مراتب ایمان رسولان را علیرغم بی ایمانی مشرکان در طول تاریخ، که در آیه ۲۹ (قالوا بل لم تکنوا مؤمنین) به آن اشاره شده، نشان می دهد.<sup>۲</sup>

گذشته از ترجیع بند ۴ آیه ای فوق که در شأن پیامبران آمده است. ترجیع بند یک آیه ای دیگری که بندگان خالص خدا را از وصف شرک آمیز خدا و احضار برای عذاب استشنا می کند، با عبارت «الا عبادالله المخلصین» ۴ بار در سوره صافات تکرار شده است که ذیلاً عبارتند از:

آیه (۴۰) انکم لذائقوا العذاب الالیم. و ما تجزون الا ما کنتم تعملون. «الا عبدالله المخلصین».

آیه (۷۴) فانظر کیف کان عاقبة المنذرین. «الا عبادالله المخلصین»

۱. در این سوره و سوره یوسف کلمه محسنین در هر کدام ۵ بار به کار رفته است که بیش از بقیه سوره ها می باشد، این صفت در سوره یوسف منحصرآدر شأن حضرت یوسف و در این سوره در شأن ۵ پیامبر دیگر به کار رفته است. (نوح، ابراهیم، موسی و هارون و الیاس)

۲. این نکته نیز قابل توجه است که ترجیع بند فوق در مورد حضرت لوط (شاید به دلیل وابسته بودن رسالتش به حضرت ابراهیم) و حضرت یونس (شاید به دلیل کم صبری اولیه آن حضرت) به کار نرفته است.

آیه (۱۲۸) فکذبوه فانهم لمحضرون. «الا عبادالله المخلصین»

آیه (۱۶۰) لقد علمت الجنة انهم لمحضرون، سبحانه الله عما یصفون. «الا عبادالله المخلصین»

همانطور که از آیات مقدمه عبارت فوق<sup>۱</sup> (الا عبادالله المخلصین) می توان برداشت کرد منحصرأ بندگانِ مخلص خدا (خالص شده - اسم مفعول) که همان انبیاء و مؤمنین پاک و خالص هستند، از عذاب دنیا و آخرت در امان بوده<sup>۲</sup> و از توصیف خدا با پندارهای شرک آمیز بشری خودداری می کنند (آیه ۱۶۰). وفور کاربرد این کلمه در سوره صافات (که شامل ۵ مورد از ۸ مورد کل قرآن می باشد) محوری بودن موضوع «اخلاص» در عبادت را در سوره صافات نشان می دهد. ترجیح بند فوق، هم در بخش مربوط به انبیاء آمده است و هم در بخش مربوط به دوران رسول اکرم.

در این سوره همانطور که گفته شد، کلمه «مرسلین» بیش از سایر سوره ها به کار رفته است (مساوی سوره شعراء)، با این تفاوت که در این سوره عمدتاً به مسئله نجات آنها و عذاب قومشان اشاره شده است. بنابراین در سوره صافات به عاقبت و نتیجه نهائی موضع گیری شرک آمیز ظالمین مجرم در برابر پیامبر اشاره شده است که ذیلاً مشاهده می کنیم.

در مورد حضرت نوح: ولقد نادینا نوح فلنعم المجیبون. ونجیناه واهله من الکرب العظیم و جعلنا ذریتهم الباقین... ثم اغرقنا الاخرین.

در مورد حضرت ابراهیم: فارادوا به کیداً فجعلناهم الاسفلین.  
در مورد حضرت موسی و هارون: ونجیناهما و قومهما من الکرب العظیم و نصرناهم فکانوا هم الغالبین.

در مورد حضرت لوط: اذ نجیناه و اهله اجمعین... ثم دمرنا الاخرین.  
در مورد حضرت الیاس (ع) فقط به ذکر «فکذبوه فانهم لمحضرون» اکتفا شده و اشاره ای به نجات آن حضرت یا عذاب قوم نشده است.

۱. به جز ۴ مورد فوق یک مورد نیز با عبارت «لکننا عبادالله المخلصین» در آیه ۱۶۹ به کار رفته است. (لوان عندنا ذکرأ من الاولین. لکننا عبادالله المخلصین.)

۲. صفت مخلص (به صورت اسم مفعول) به غیر از ۵ موردی که در این سوره تکرار شده فقط یک بار در سوره یوسف در شان آن حضرت (آیه ۲۴) و دو بار در سوره های حجر (آیه ۴۰) و ص (آیه ۸۳) در نقل سوگند ابلیس برای اغوی انسان ها آمده است. (قال... ولا غوینهم اجمعین. الا عبادک منهم المخلصین.)

در مورد حضرت یونس (ع) قضیه درست برعکس می باشد. قوم او چون ایمان می آورند نجات می یابند و بهره مند میگردند (فامنوا فمتعناهم الی حین)<sup>۱</sup> و خود آن حضرت به دلیل کم صبری در جریان رسالت گرفتار ابتلائی الهی برای تنبه و عبرت می گردد. داستان نجات رسولان (ع) و غلبه آنها بر دشمنانشان با نصرت الهی، مطلبی است که خداوند در این سوره برای دلگرمی پیامبر ختمی مرتبت (ص) و ثبات قلب و قدم آن حضرت و مؤمنین بیان نموده و خلاصه و جمع بندی این جریان را در اواخر سوره مجدداً تصریح کرده است:

آیات (۱۷۱ تا ۱۷۷) ولقد سبقت کلمتنا لعبادنا المرسلین. انهم لهم المنصورون. وان جندنا لهم الغالبون. فتول عنهم حتی حین. و ابصرهم فسوف یبصرون. افعذابنا یستعجلون. فاذا نزل بسا حتهم فساء صباح المنذرین.

#### توحید

در رابطه با کلمه «مرسلین» که در این سوره بیش از سایر سوره های قرآن به کار رفته و محور سوره را تشکیل می دهد، مسئله «توحید» و «اخلاص» مطرح می گردد. هدف از بعثت پیامبران چیزی جز هشدار دادن مردم به نتایج شرک و ناخالصی و سوق دادن آنها به سوی توحید و اخلاص در عمل نبوده است. همانطور که گفته شد، تکرار فراوان عبارت «الا عباد الله المخلصین» در این سوره در رابطه با همین معنا می باشد.

انسان در طول تاریخ هرگز جدای از پرستش نبوده است، تحقیقات باستان شناسی و جامعه شناسی نشان می دهد که انسان ها از دورترین دوران تاریخ نیازی فطری به پرستش موجودی بالاتر از خود داشته اند. اما به دلیل فهم و درک ناقص، به معبودهای موهوم و ساختگی یا موجودات فراتر از خویش همچون فرشتگان، جن ها، قدیسین، سلاطین و... پناه می برده اند. نقش پیامبران در این جریان زدودن اوهام و خرافات شرک آمیز از چهره دین فطری و متوجه ساختن مردم به توحید خالص بوده است.

موضوع فوق در سوره صافات اصلی ترین پیام را تشکیل می دهد، از همان ابتدای سوره که به صافات و زاجرات و تالیات سوگند می خورد نتیجه می گیرد که: «ان الهکم لواحد»، همان خدای واحدی که ربوبیت (اداره و مدیریت) تمامی آسمان ها و زمین به ید قدرت

۱. از ۸ باری که کلمه مخلص (اسم مفعول) در قرآن آمده ۵ مورد آن در این سوره قرار دارد.

اوست. این مطلب پاسخ به اعتقادات مشرکین و نفی کننده فلسفه شرک آمیزی است که برای فرشتگان اصالتی بالذات در تدبیر امور آسمانها و زمین قائل بوده می پنداشتند خداوند پای خود را کنار کشیده و اداره عالم را به فرشتگان واگذار کرده است. علاوه بر ربوبیت آسمانها و زمین و مابین آن دو، که در آیه پنجم به آن اشاره می کند، ربوبیت «مشارق» را نیز اضافه می نماید. همین که مشرق و مغرب زمین ثابت و یکنواخت نیست و تغییر و حرکتی وجود دارد، از تدبیری حکایت می کند که موجب حرکت وضعی و دورانی زمین می شود و شب و روز و اختلاف فصول و تنوع سرما و گرما را به وجود می آورد. همه این حرکاتها دلالت بر ربوبیت واحد و پروردگار حکیمی می کند که گرداننده عالم است.

تابش نور خورشید (اشراق) و تغییر و تنوع مواضع آن (مشارق)، علاوه بر زمین، در طبقات بالای جو فعل و انفعالاتی را موجب می شود که زیبایی آسمان و حفاظت زمین را از شر اشعه های مضر حیات تأمین می نماید.<sup>۱</sup> چگونگی این فعل و انفعالات را (که درک آن نیازمند علم و آگاهی به مقدمات علم جوشناسی است)<sup>۲</sup> در قالب درک و فهم مردم عامی زمان نزول قرآن (و امروز و آینده) و با استفاده از همان کلمات مصطلح بیان می نماید. (آیات ۱ تا ۵).

اشاره به این پدیده شگفت آور که امروزه قسمت هائی از آن کشف گردیده است، برای نشان دادن «ربوبیت» واحدی است که زینت آسمان و عملکرد حفاظتی آن (در برابر اجرام سماوی و اشعه های ماوراء بنفش و عناصر و ذرات غیر مفید) را تدبیر و رهبری می کند. علاوه بر آیات طبیعی و تکوینی فوق که در ابتدای سوره به آن اشاره شد، در متن آن نیز در خلال رسالت انبیاء الهی به آیات تاریخی برای تفهیم توحید اشاره می کند. در این سری آیات که اوج آن در جریان برخورد حضرت ابراهیم با اعتقادات شرک آمیز زمان تجلی می کند، از عبادت «من دون الله» و اعراض از «رب العالمین» که رب آنها و پدرشان نیز می باشد، سخن می گوید و فقط بندگان خالص شده را استنشاء می نماید (الا عباد الله المخلصین). دلیل انحراف از توحید، استکباری است که مانع همسان شدن با سایر بندگان خدا می گردد (آیه ۳۵ - انهم كانوا اذا قيل لهم لا اله الا الله يستكبرون). بنابراین

۱. فقط در نزدیکترین طبقه جو به زمین، آسمان به رنگ آبی دیده می شود. بالاتر از آن آسمان کاملاً سیاه است و ستارگان همچون ذرات گچ روی تخته، ساکن و بدون تلاؤ هستند، تاریکی آن هم در شب مطلق است. طبقات جو هر کدام در برابر طیفی از اشعه های ماوراء بنفش و ذرات مهلک حیات، طبق مکانیسم شگفت آوری نقش دفاعی بازی می کنند و مانند سپری زمین را محافظت می نمایند.

۲. برای آشنائی بیشتر با نقش طبقات مختلف جو و مکانیسم حفاظتی و زیبایی آن در ارتباط با آیات قرآن به کتاب «هفت آسمان» مراجعه نمایید.

بت پرستی و اتخاذ «الهی» به جای «الله» در واقع توجیه کننده منافع چنین مستکبرانی است. اواخر سوره (از آیه ۱۴۹) پس از بیان مواضع اعتقادی مشرکین در طول تاریخ در برابر انبیاء الهی، به مبانی اعتقادی مشرکین زمان رسول اکرم می پردازد و بی پایه گی فلسفه شرک را بیان می نماید. فلسفه ای که در آن دختران به خدا و پسران به خودشان تعلق پیدا می کند، یا اینکه فرشتگان مؤنث شمرده شده و خدا صاحب فرزند قلمداد می گردد. علاوه بر آن، میان خدا و جن ها نسبت و رابطه ای برقرار می گردد (و جعلوا بینہ و بین الجنة نسباً...) در حالی که همه فرشتگان مقام و موقعیت (شأن و وظیفه) مشخصی نزد خدا دارند و همه در برابر او در صف اطاعت و تسبیح هستند (و انا لنحن الصافون و انا لنحن المسجون).

اعتقادات شرک آمیز فوق کم و بیش و به رنگ های مختلف، در کلیه جوامع بشری حاکم بوده است و مردم هر زمان، جز پیامبران و مؤمنین خالص شده، خدا را به گونه ای که خود تصور می کردند توصیف می نمودند. (سبحان الله عما یصفون. الاعداد الله المخلصین). و این پیامی است که به عنوان مهم ترین خلاصه و عصاره سوره در پایان آن جمع بندی شده است.

(سبحان ربك رب العزة عما يصفون - و سلام على المرسلين - والحمد لله رب العالمين)<sup>۱</sup>

### قیامت

در این سوره برخی از کلمات نسبت به سایر سوره های قرآن به نسبت بیشتری به کار رفته است که می توان برای شناخت مفاهیم کلی سوره از آنها به عنوان کلمات کلیدی مدد گرفت. از جمله کلمه «مخلصین» بود که گفتیم بیانگر تاکید سوره روی مسئله «توحید» می باشد، همچنین کلمات: مرسلین، مندرین و محسنین (صفت پیامبران) چنین نسبتی دارند که موضوع نبوت را مطرح می سازند.

علاوه بر مسئله توحید و نبوت، از وفور کاربرد کلمه «محضرین» که بیش از سایر سوره به کار رفته، می توان به تاکید سوره صافات بر مسئله آخرت پی برد.

به طور کلی حدود یک سوم آیات این سوره<sup>۲</sup> (۶۲ آیه از ۱۸۲ آیه) به مسئله آخرت و بهشت و جهنم اختصاص دارد. جالب این که در این سوره ۶ بار کلمه «جحیم» به کار رفته

۱. سوره زمر (سوره ۳۹) نیز که با این سوره در موضوعات «اخلاص» در عبادت و شرک و انحراف در اتخاذ الهه اشتراک دارد با جمله «والحمد لله رب العالمین» ختم می شود.

۲. آیات ۱۶ تا ۷۴ و آیات ۱۶۲، ۱۷۶ و ۱۷۷.

است<sup>۱</sup> در حالی که در هیچیک از سوره‌های قرآن این کلمه بیش از ۲ بار نیامده است.

### ارائه الگو

همانطور که گفته شد آیات ۷۵ تا ۱۴۵ این سوره مستقیماً به جریان رسالت برخی از انبیاء اختصاص دارد و پیوستگی آنها و تداوم تاریخی درگیری حق و باطل را نشان می‌دهد. در این سوره نام ۷ تن از رسولان ذکر شده است که برای شرح جریان رسالت هر یک از آنان حداکثر ۱۰ آیه اختصاص یافته است.<sup>۲</sup> به استثنای حضرت ابراهیم که ۳۱ آیه به داستان بت شکنی او و قربانی کردن فرزند دلبندهش، که نمایش باشکوهی از توحید و اخلاص می‌باشد، اختصاص یافته است. در مورد حضرت ابراهیم قبلاً نیز یادآور شدیم که در سوره‌های مختلف قرآن به تناسب موضوع و مسئله مطروحه، گوشه‌ای از زندگی این پیامبر عظیم‌الشان که بنیانگزار امت و امامت، پدر انبیاء و الگو و اسوه توحید معرفی گشته، نقل شده است. گوئی پروردگار حکیم اراده کرده این بنده خالص شده را به هر بهانه‌ای به رخ سایر بندگان بکشد که بدانند تا به کجا باید برسند.

و در این سوره از آنجائی که مسئله عبادت خالصانه خدا، تا مرز فدا کردن منیت‌ها و تعلقات، مطرح است داستان مبارزه توحیدی ابراهیم با مشرکین و بت شکنی او تا مرحله افکندش در آتش جهل و تعصب، نقل گردیده و پس از آن حماسه باشکوه قربانی ساختن فرزند در راه خدا به نمایش گذاشته شده است، این همان اوج تسلیم پدر و پسر در امتحان عظیمی است (ان هذا لهوالبوالالمبین) که خداوند برای آزمایش بنده خود مقرر کرده بود.

### زینت آسمان

موضوع زیبایی و زینت آسمان و مکانیسم حفاظتی آن علاوه بر این سوره در سوره‌های دیگری نیز مطرح گشته است که مجموع آنها را ذیلاً به ترتیب نزول نقل می‌نمائیم:<sup>۳</sup>

۱- آیات ۶ تا ۱۰ سوره صافات: (سال ۳ بعثت)

انا زینا السماء الدنيا بزينة الكوكب. و حفظاً من كل شیطان مارد. لا یسمعون الی الملاء

۱. آیات ۱۳-۵۵-۶۴-۶۸-۹۷-۱۶۳ (استثناء معنای جحیم در آیه ۹۷ (فالقوه فی الجحیم) نه به معنای دینی و جهنم آخرت، بلکه به معنای آتش بسیار در دنیا می‌باشد).

۲. الیاس و یونس هر کدام ۱۰ آیه، موسی و هارون ۹ آیه، نوح ۸ آیه و لوط ۶ آیه.

۳. در سوره‌های جن (۷۲) آیات ۸ تا ۱۲ و شعراء (۲۶) آیه ۲۱۲ به رابطه جن‌ها و شیاطین به آسمان اشاره شده است.



- الاعلی و یقذفون من کل جانب.  
دحوراً و لهم عذاب واسب. الا من خطف الخطفه فاتبعه شهاب ثاقب.
- ۲- سوره حجر آیات ۱۶ تا ۱۸ (سال های ۴ و ۵ بعثت)  
ولقد جعلنا فی السماء بروجاً وزیناها للنظرین. وحفظناها من کل شیطان رجیم. الا من استرق السمع فاتبعه شهاب مبین.
- ۳- سوره ق آیه ۶ (سال ۵ بعثت)  
افلح ینظروا الی السماء فوقهم کیف بنیناها وزیناها و مالها من فروج.
- ۴- سوره ملک آیه ۵ (سال ۷ بعثت)  
ولقد زینا السماء الدنیا بمصابیح و جعلناها رجوماً للشیاطین و اعتدنا لهم عذاب السعیر.
- ۵- سوره فصلت آیه ۱۲ (سال ۹ بعثت)  
فقضیهن سبع سموات فی یومین و اوحی فی کل سماء امرها و زینا السماء الدنیا بمصابیح و حفظاً ذلک تقدیر العزیز العلیم.
- بررسی و مطالعه تطبیقی این آیات می تواند نکات بسیار جالبی را روشن کند که بسیاری از آنها را در کتاب سابق الذکر «هفت آسمان» می توانید مطالعه نمایند.

### قسم های ابتدای سوره

- سوره صافات که با قسم شروع می شود در سال سوم بعثت نازل شده است. علاوه بر آن در سه سوره دیگر، که در سال های اول و دوم بعثت نازل شده اند، قسم های مشابهی وجود دارد که مطالعه تطبیقی این ۴ سوره می تواند نکات مهمی را روشن نماید (به نظر می رسد همه یا بیشتر این قسم ها در رابطه با پدیده های جوی باشد).
- ۱- سوره صافات (سال ۳ ب) والصفات صفأ. والزاجرات زجرأ. فالتالیات ذکراً. ان الهکم الواحد.
- ۲- سوره مرسلات (سال ۲ ب) والمرسلات عرفا، فالعاصفات عصفاً. والناشرات نشرأ. فالفارقات فرقا. فالملقیات ذکراً. عذراً او نذراً. انما توعدون لواقع.
- ۳- سوره نازعات (سال ۲ ب) والنازعات غرقأ. والناشطات نشطأ. والسابحات سبحا. فالسابقات سبقا. فالمدبرات امرا.
- ۴- سوره ذاریات (سال ۱ ب) والذاریات ذروا. فالحاملات وقرأ. فالجاریات یسراً. فالملقسات امرأ. انما توعدون لواقع وان الدین لصادق.

## آهنگ سوره

از ۱۸۲ آیه سوره صافات، به جز ۳۷ آیه آن (شماره سوره هم ۳۷ است) بقیه با حرف «ن» ختم می شوند. از ۳۷ آیه، ۲۶ آیه با حرف م (جحیم، عظیم - ابراهیم - سقیم - الیم - معلوم - نعیم - زقوم - حمیم - سلیم - نجوم - حلیم - مستقیم - علیم) و ۵ آیه با حرف «ب» - ۳ آیه با حرف الف - ۲ آیه با حرف «د» و یک آیه با حرف «ق» ختم شده اند.

## نام های الهی

در این سوره ۱۵ بار نام جلاله «الله»، ۱۴ بار رب (با ضمیر یا به صورت مضاف الیه) و یکبار «واحد» آمده است.

## ارتباط سوره های «صافات» و «ص» (۳۷ و ۳۸)

شاخصترین وجه مشترک این دو سوره را از همان آیات مقدمه هر کدام می توان دریافت کرد. در سوره صافات نتیجه ای که از سوگند ابتدای سوره می گیرد تأکید مؤکد<sup>۱</sup> بر وحدانیت خدا است (والصافات صفاً، فالزاجرات زجراً، فالتالیات ذکراً، انّ الهکم لواحد) در سوره «ص» نیز گرچه نتیجه گیری از سوگند ابتدای سوره، بیان سرکشی و ستیزه گری کافران است، ولی علت این سرکشی را تعجب آنها از اینکه خدایان متعدد را پیامبر «یکی» قرار داده می شمرد:

ص و القرآن ذی الذکر، بل الذین کفروا فی عزة و شقاق. کم اهلکننا من قرن فنادوا ولات  
حین مناص - و عجبوا ان جاء هم منذر منهم و قال الکافرون هذا ساحر کذاب آجعلّ الاله  
الهاً واحداً انّ هذا شیء عجاب.

آنگاه توضیح می دهد که ملاء یعنی سرکردگان قوم به توده مردم گفتند بروید و بر همان خدایان تنان پایداری کنید که دستور همین است، در سوره صافات دلیل وحدانیت او را در ربوبیت آسمانها و زمین و آنچه میان آنها است و همچنین مشارق (تنوع طلوع خورشید به دلیل حرکت زمین به دور خورشید - وضعی و انتقالی) معرفی می نماید. (رب السموات والارض و ما بینهما و رب المشارق) و در سوره ص وحدانیت را در مالکیت آسمانها و زمین و آنچه میان آنها است (ام لهم ملک السموات والارض و ما بینهما...) پس وقتی تنها یک ارباب و اداره کننده و یک مالک وجود داشت جایی برای دخالت باقی نمی ماند.

۱. هم تأکید انّ وهم لام لواحد

اما در هر یک از دو سوره مسئله توحید را از زاویه‌ای خاص بررسی کرده است؛ در سوره ص از طریق معرفی سه پیامبر بزرگ که در موحد بودن خود بسیار «اواب»<sup>۱</sup> (بازگشت کننده دائمی به سوی خدا پس از هر نسیان و ترک توجهی) بودند و این صفت را برای هر سه، یعنی داود، سلیمان و ایوب (علیهم السلام) به کار برده است: (اصبر علی ما یقولون و اذکر عبدنا داود ذا الاید انه اواب - و هبنا لداود سلیمان نعم العبدانه اواب - و اذکر عبدنا ایوب... انا و جدناه صابراً نعم العبد انه اواب) و هر سه را با صفت ممتاز «عبد» (نعم العبد) توصیف می نماید که بندگی و تسلیم کامل آنانرا به خدا می رساند.<sup>۲</sup> همچنین ۶ پیامبر دیگر که همه نیکوکار و یادآور خالصانه سرای جاوید بودند.<sup>۳</sup> اینها همه بندگان مخلص خداوند بودند. جالب اینکه در آخر سوره وقتی سوگند ابلیس را برای اغوای جمیع مردم نقل می کند، استثنای او را نیز در مورد «بندگان خالص» ذکر می نماید (قال فبعزتك لا غوینهم اجمعین - الا عبادک منهم المخلصین). بنده مخلص کسی است که هیچ انگیزه و امیدی به جز خداوند نداشته و منحصرآ از او بیم دارد... و در سوره صفات مسئله توحید را از طرفی معرفی تفصیلی حضرت ابراهیم به عنوان انسان سلیم القلبی که در تسلیم کامل به خدا تا پذیرش خطر بت شکنی و استقبال از آتش نمرودی، هجرت از سرزمین آباد آباء و اجدادی سرزمین خشک مکه و اقدام به قربانی فرزند دلبندهش در راه خدا نمود. همچنین معرفی اجمالی ۶ پیامبر دیگر انجام می دهند و با درود بر هر کدام، آنها را از بندگان مؤمن خود می شمارد که بدلیل محسن<sup>۴</sup> بودن به آنها جزا می دهد و در مورد هر کدام این عبارت را تکرار می کند «سلام علی... انا کذلک نجزی المحسنین - انه من عبادنا المؤمنین». در این سوره ۵ بار کلمه مخلصین (نیالودگان) تکرار شده است که ذیلاً به آن توجه می کنیم.<sup>۵</sup>

۱. جالب اینکه صفت اواب را در آیه ۱۹ (والظیر محشوره کل له اواب) برای پرندگان که با هر پروازی بلافاصله ندای داود را اجابت کرده به سویش بازگشته و گرد می آمدند بکار برده است که تمثیلی است از اجابت دعوت الهی برای بندگان.

۲. در مورد هر کدام داستانی را نقل می کند که نمایشگر عبودیت و تسلیم و صبر آنها است.

۳. و اذکر عبادنا ابراهیم و اسحق و یعقوب اولی الایدی و الابصار - انا اخلصناهم بخالصه ذکرى الدار - و انهم عند نالمن المصطفین الاخیار - و اذکر اسمیعل و الیسع و ذالکفل و کل من الاخیار - هذا ذکر وان للمتقین لحسن مآب.

۴. نوح - موسی و هارون - الیاس - لوط - یونس.

۵. کلمه مخلصین فقط ۸ بار در کل قرآن به کار رفته که ۵ مورد آن در همین سوره است (مخلصین به صورت اسم مفعول نه اسم فاعل).

(۳۸ تا ۴۰) انکم لذائقوا العذاب الالیم - و ما تجزون الا ما کنتم تعملون الا عبادالله المخلصین (۷۲ تا ۷۴) لقد ارسلنا فیهم منذرین - فانظر کیف کان عاقبة المنذرین - الا عبادالله المخلصین (۱۳۲ تا ۱۲۸) و ان الیاس لمن المرسلین... فکذبوه فانهم لمحضرون الا عبادالله المخلصین (۱۵۸ تا ۱۶۰) و جعلوا بیته و بین الجنة نسباً... سبحان الله عما یصفون الا عبادالله المخلصین (۱۶۷ تا ۱۶۹) و ان کانوا لیقولون - لو کان عندنا ذکراً من الاولین لکننا عبادالله المخلصین

این دو سوره در موضوعات متعددی هماهنگی و مشارکت دارند که عبارتند از:  
 ۱- تخاصم تابعین و متبوعین در جهنم (کسانی که به جای پرستش خالص خدا سر سپرده مقامات و بزرگان شدند) آیات ۲۲ تا ۳۶ سوره صافات و ۵۸ تا ۶۴ سوره ص دو دسته را نشان می دهد که یکی موجب گمراهی دیگری و دیگری موجب بت شدن و قدرت یافتن او شده در جهنم هر یک دیگری را مقصر می شناسند. در حالیکه هر دو مشترک در عذاب هستند. چنین مخاصمه ای را در سوره «ص» قطعی و تحقق یافتنی می شمرد: ان ذلک لحق تخاصم اهل النار.

۲- خلقت آدم از طین: صافات ۲۲، ص ۷۱.

۳- سموات و ارض: صافات ۵، ص ۱۱.

۴- انکار و کفر: صافات ۱۲ تا ۲۱، انکار معاد: ص ۴ تا ۱۱

۵- جهنم و بهشت و عذاب و ثواب: صافات آیات ۱۸ تا ۷۱ و ۱۶۱ تا ۱۶۳ (۳۰٪ سوره)، سوره ص آیات ۸-۴۶-۴۹ تا ۶۸ (۲۵٪ سوره)

۶- معنای محسن را در این سوره مقابل ظلم بنفس قرار داده است (و من ذریتها محسن و ظالم بنفسه مبین) بنابراین معنای آن بروز فطرت خداجوی و ثمر دادن کامل نفس آدمی است که تنها در طریق توحید ممکن می گردد.

نکات قابل توجه:

در سوره صافات استکبار مجرمین را در برابر توحید شمرده است :

(۳۵) کذلک نفعل بالمجرمین انهم اذا قیل لهم لا اله الا الله یتکبرون

و در سوره ص انداز پیامبر را بر توحید شمرده است:

(۶۳) قل انما انا منذر و ما من اله الا الله الواحد القهار.

- سوره ص با آیات «سبحان ربک العزة عما یصفون و سلام علی المرسلین و الحمد لله

رب العالمین» ختم می شود که پیامی توحیدی دارد.